



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۴۵
۱۴ بهمن ۱۳۸۳
۲ فوریه ۲۰۰۵

ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مختصری درباره گفتگوی تلویزیونی آقای کورش مدرسی



عبدالله سید مرادی

میتوانم نقل قولهایی از این گفتگورا
بیاورم تا خوانندگان بیشتری متن
وفضای فکری آقای مدرسی آشنا
شوند. نقل قولها و اظهارات ایشان
تا آنجایی که من توانستم در ذهن
خود حفظ کنم از قرار زیر بودند:
"مهمترین حادثه سال گذشته
صفحه ۳

آقای مدرسی در گفتگوی
تلویزیونی شب دوشنبه دهم ژانویه
۲۰۰۵ به بررسی رویدادهای مهم
سیاسی سال ۲۰۰۴ ایران پرداخت و
مسائلی رامطرح کرد که جا دارد
مختصری به آن بپردازیم. از آنجاکه
من برنامه را ضبط نکرده ام فقط
صفحه ۳

بازداشت و تهدید نمایندگان کارگران نساجی کردستان

کمپین وسیع بر علیه تهدید فعالین کارگری از طرف جمهوری اسلامی

دهها اتحادیه به تهدید کارگران نساجی اعتراض کردند

صفحه ۳

۸ مارس را هر چه باشکوهتر در شهرهای کردستان برگزار کنیم

و جنبش رهایی زن بحث کرده و با
تدارک و آمادگی هر چه بیشتری
این روز را هر چه با شکوهتر برگزار
کنیم. در روز هشت مارس کاررا
لحظاتی تعطیل کنیم و در مورد
جایگاه این روز و جنبش رهایی زن
به گفتگو و بحث بنشینیم.

صفحه ۲

کنیم و کاری کنیم که چهره و
سیمای شهرهای کردستان در این
روزها و با نزدیک شدن به هشت
مارس حال و هوای دیگری به
خود بگیرد. باید در همه شهرها،
محلات و محیط های کار از
دانشگاهها و مدارس گرفته تا
بیمارستانها بر سر چگونگی
برگزاری هر چه باشکوهتر این روز

جنب و جوشمان برای تدارک با
شکوه این روز شدت دهیم.
پلاکاردهایمان را با شعارهای زنده
باد آزادی زن، زنده باد هشت مارس
آماده کنیم و در و دیوار را با
شعارهای نه به حجاب اسلامی،
نه به آپارتاید جنسی، نه به قوانین
و مقررات ضد زن جمهوری
اسلامی، و دهها شعار دیگر پر

مردم ایران به پیشواز این روز رفته و
این روز را گرامی می دارند. به
همین مناسبت از هفته ها قبل از ۸
مارس فعالین این جنبش و
بخصوص زنان در جنب و جوش
برگزاری این روز بوده و در تلاشند
که هر چه بهتر و وسیعتر این روز را
برگزار نمایند. زمان زیادی به
هشت مارس نمانده است باید به



نسرین رمضانعلی

۸ مارس در راه است. مردم
کردستان و در اس آن جنبش برابری
طلبانه زنان هر ساله پا به پای سایر

بازداشت، تهدید و بازجویی نمایندگان کارگران نساجی را محکوم کنید

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سر دبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 737 706 454
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تولیزون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه ۸ مارس را هر چه باشکوهرتر در شهرهای کردستان

سنت برگزاری هشت مارس در کردستان به خصوص سنندج سنت دیرینه ای است و ما شاهد هشت مارس های با شکوهی بوده ایم. در سال های گذشته ما شاهد آتش زدن حجاب اسلامی و پرت کردن این سنبل تحقیر و توهین و بی حقوقی مطلق زنان بودیم. آتش زدن حجاب سه سال پیش در مرکز شهر سنندج نقطه اوج به میدان آمدن این جنبش وسیع و عظیم برای رهایی از نکتب اسلامی بود. جنبشی که بدرست به حجاب به عنوان نمود سرکوب و بی حقوقی مطلق زن در ایران اسلامی نه گفت. امسال نیز باید هشت مارس را به روز پرت کردن حجاب، روز زیر پا گذاشتن تمامی مقررات و قوانین ضد زن و زن ستیز، روز اعتراض به کلیت این قوانین تبدیل کنیم.

یکی دیگر از نقطه عطف های مهم این جنبش، سنت قطعنامه صادر کردن، تلاش برای فرموله کردن اهداف، خواستها و مطالبات جنبش برابری طلبانه زنان در شهرهای کردستان و بویژه سنندج بوده که سنتی تازه و حرکتی رو به جلوست که در سالهای اخیر توانسته است خودش را در اعتراضات بخش های مختلف جامعه جابیندازد.

بطوریکه در عمده مراسم و همایشها و در جلساتی که به نحوی مربوط به زنان و مشکلات زنان می باشد، ما شاهد صدور قطعنامه ها و کیفرخواست هایی از طرف محافل سازمانده این روز بر علیه ستم و بی حقوقی زنان بوده ایم. در همایشها و مراسمهای ۸ مارس در سالهای گذشته در شهرهای مختلف کردستان زنان با دادن قطعنامه، کیفرخواست خود را علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی، علیه جهل و خرافه، علیه بی حقوقی مطلق زنان اعلام کردند. امسال نیز باید از هم اکنون قطعنامه های خودمان را آماده کنیم و خواستهایمان را بصورت روشن بیان کنیم و از جمله بگویم که ژینا و برادرش بختیار ایزدی باید از زندان آزاد شوند.

طبعاً هشت مارس، فرصتی است که قبل و بعد از آن دهها مراسم و همایش و جلسات سخنرانی در محلات مختلف شهرهای کردستان برگزار می شود. مراسمهایی که در آن سخنرانان و فعالین جنبش برابری طلب زنان حول خواستها و مطالبات این جنبش، راهها و موانع پیشروی آن، مطالبات سیاسی و اقتصادی اش و چگونگی سازماندهی مقاومت و مبارزه برای دستیابی به حقوق حقه شان، به بحث و تبادل نظر می پردازند. فعالین و رهبران جنبش رهایی زن میتوانند در این جلسات

و سمینارها با قطعنامه هایشان شرکت کرده با سخنرانی و بحثهای خود در باره نه گفتن به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اجباری و نه به قوانین و مقررات دست و پاگیر موثر واقع شوند و تلاش کنند اهداف و مطالبات پیشرو را تبدیل به اهداف و مطالبات جنبش زنان و فعالینش کرده و راههای رسیدن به آنها را بررسی کرده و به جلو ببرند. اینها همه نکات مهمی هستند که باید در برپایی هر چه باشکوهرتر هشت مارس در نظر گرفت و به پیش برد. اما در این میان یک نکته بسیار مهم و اساسی می باشد و آن تامین رهبری چپ و رادیکالیسم و افق و آرمان برابری طلبانه این جنبش در این جنبش و مبارزه است. واقعیت آن است که بدون حضور چپ، بدون طرح مطالبات و خواستهای ماکزیمالیستی و برابری طلبانه، بدون دخالتگری چپ و گرایش اجتماعی آن در این جنبش ها، عملاً تمامی تلاش های فعالین و مدافعین حقوق زنان به کیسه احزاب و جریانان عقب مانده و مردسالار و ناسیونالیست خواهد رفت. در نتیجه چپ و جریان برابری طلب باید با نهایت آمادگی و رزمندگی اش در این امر دخالت کرده، خواستها و مطالباتش را طرح کرده، نیروی عظیم معترض به جمهوری اسلامی به خصوص نیروی زنان را

حول شعارهای خود جمع نماید. تجربه نشان داده که هر جا که بخش چپ و برابری خواه ماکزیمالیست جنبش زنان پا جلو گذاشته، مبارزات به نتیجه رسیده و توانسته است رژیم را وادار به عقب نشینی نماید. از طرف دیگر فضا و جو جامعه مدتهاست که به چپ چرخیده و جامعه گوش شنوا برای شنیدن حرف های چپ را بیش از هر زمان دیگری دارد. پیشروی و تحقق مطالبات زنان بستگی به تلاش و سیاست رادیکال چپ آمادگی اش برای اعمال رهبری و هدایت مبارزات زنان دارد. این چپ نشان داده که اگر بخواهد می تواند تاثیر گذار باشد، و رهبری این جنبش را از آن خود نماید. این امر شدنی است و نمونه های فراوانی وجود دارد که صحه بر حضور این چپ و نقش آن در تحولات جاری در جامعه کردستان می گذارد. خلاصه کلام باید با آمادگی و جرات هر چه بیشتر به میدان آمد. جنبش رهایی زن، جنبشی است بالنده و چپ می تواند در راس این جنبش قرار گرفته و رهبری آن را بدست گیرد. این چپ ما هستیم. بکشیم تا مهر خود را بر هشت مارس بزنیم.

زنده باد هشت مارس.
۱۳ بهمن ۱۳۸۳، ۱ فوریه
۲۰۰۵

را به زانو درآورد. اینبار هم میتوانیم نیروی بیشتری به میدان آوریم و درس محکمی به حکومت اسلامی سازمان اطلاعاتش بدهیم. نشان دهیم که دوره ارباب گذشته است. اعتصاب برای گرفتن گوشه ای از حقوق پایمال شده کارگران حق آنها است. اعتراض حق مردم است. اجازه ندهیم کارگران نساجی و نمایندگانشان تنها بمانند. به هر شکل میتوانیم از آنها حمایت کنید و صف گسترده و یکپارچه ای را در مقابل این تعرضات سازمان دهید.

محمد آسنگران

دبیر کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۷ بهمن ماه ۱۳۸۳، ۲۶
ژانویه ۲۰۰۵

اطلاعیه شماره ۲۴

بازداشت، تهدید و بازجویی نمایندگان کارگران نساجی را محکوم کنید

است. در همین اقدام اولشان باید با سد محکم اعتراض مردم و کارگران روبرو شوند و سیاست شان در هم شکسته شود.

کارگران و مردم آزادیخواه سنندج!

شما در جریان اعتصاب کارگران نساجی حمایت قابل توجهی از این اعتصاب بعمل آوردید. اینبار هم باید محکم و استوار در کنار کارگران نساجی، دست به اعتراض بزنید و سیاست رژیم را خنثی کنید.

نمایندگان نساجی در جریان اعتصاب با هوشیاری تهدیدها را خنثی کردند و کارگران را در اعتصاب و مذاکرات مختلف

بخوبی نمایندگی کردند و سهم موثری در موفقیت اعتصاب داشتند. با تمام قوا باید از آنها حمایت کرد. با جمع آوری تومارهای اعتراضی و هر اقدام دیگری که میتوانید، دست درازی به کارگران و نمایندگان آنها را محکوم کنید و خواهان پایان دادن به هرگونه بازجویی و تهدید کارگران شوید. حزب کمونیست کارگری ایران همچنین از همسران و خانواده های کارگران میخواهد به میدان بیایند و در بسیج سایر مردم شهر پیشقدم شوند.

مردم آزادیخواه کردستان! زنان، جوانان، دانشجویان:

این یک سنگ مهم مبارزه است. پیروزی و شکست کارگران نساجی، پیروزی و شکست برای همه ما است. اتحاد و پافشاری کارگران نساجی رژیم و ارگانهای مختلف

ادامه مقاله "مختصری درباره گفتگوی تلویزیونی ..."

از هم پاشی حزب کمونیست کارگری ایران بود"

"حزب کمونیست کارگری در وظایفی که پیش رویش بود شکست خورد و در یک ژست ایدئولوژیک وارد شد. از عهده وظایفش برنیامد" و اینگونه: "چپ در جامعه وجود ندارد، شبکه رهبران وجود ندارد. توکارخانه ها هم قاربه کاری نیستند"

"بحران چپ به طول عمر جمهوری اسلامی میفزاید"، "امکان دارد جمهوری اسلامی تغییر تدریجی بکند و نیفتد و اما تغییر بکند."

آدم با دیدن و یا شنیدن این نوع اظهارات اولین تصویری که به ذهنش می آید، یاد دوره ای در تاریخ عمر جمهوری اسلامی است که افراد بریده از سازمانها و یا دستگیرشدگان در زیر شکنجه و آزار به اعتراف و افترا علیه احزاب و سازمان وابسته میشدند که انتقاد و سختگیری زیادی آنان وارد نبود و تنها فرت بیشتر را متوجه حکومت اسلام و شکنجه میکرد. این انسان هنوز یکسال از به جا گذاشتن جریان سیاسی که حدود دوده

از رهبرانش بوده، نگذشته است و هیچ اجبار فیزیکی هم متوجه وی نبوده، چرا که کتمان واقعیات کمر بسته است؟ چرا برگشتن به گذشته اینقدر برایش سنگین است؟ توگویی این دوده وی را اجباراً در یک تاریخ کبوت فلزی زندانی کرده بودند. البته که در سال گذشته یک مبارزه حاد و حیاتی در حزب کمونیست کارگری ایران در گرفت. بعد از مرگ منصور حکمت آقای مدرس خود را از تاریخ کبوت خلاص کرده و قفل افکارش باز شد. بسیج محفلی درون تشکیلات را شروع کردند و تلاش کردند ادبیات تازه ای را وارد حزب کنند که در حدود یک ربع قرن اخیر نه تنها جایی در بین ما نداشته بلکه مورد نقد و پرورژه هایی بوده اند که ما با آنها مبارزه کرده ایم. دفاع از سوسیالیسم و حکومت کارگری و مقابله با انواع ترندهای راست و بورژوازی یک وجه برجسته هویتی ما بوده است. اما ما دیدیم که پرچم دفاع از طرح رفرا ندیم - مجلس موسسان - بلند شد و دراز کردن دست دوستی به سمت قدیم پاسداران و شکنجه گرسابق - حجابیان - در بخشی از کمیته

مرکزی و در پیشاپیش همه آقای مدرس دارد به نرم و تفکر سیاسی تبدیل میشود. سکندالهای سیاسی که خوشبختانه هیچ وقت به سیاستهای رسمی حزب تبدیل نشد. اکثریت رهبری کادرها و اعضای حزب با "نوآوریهای" آقای مدرس به مخالفت پرداختند و بحث کردند، استدلال آوردند و به دفاع از مارکس و منصور حکمت و انقلاب و شورا پرداختند. آنها که متوجه شدند شکست دادن حزبی که منصور حکمت ساخته است، غیرممکن است و با شعار مجلس موسسان نمیتوانند پرچم سوسیالیسم منصور حکمت را پایین بکشند، با اتهاماتی همچون "هپروتی - ایدئولوژیک - منتظرین انقلاب" گذاشتند و رفتند. قبل از آقای مدرس در تندپییچهای قبلی کسانی دیگر صفوف حزب را ترک کرده بودند و همه مثل ایشان ارزی پاشیدن آن و منکر قدرت سیاسی و تشکیلاتی و امکان برقراری سوسیالیسم در ایران بودند. اما آنها حداقل مدتی دوام آوردند و از ذخیره رادیکال و انقلابی که از حزب گرفته بودند مصرف کردند. اما مثل اینکه

ایشان سالها قبل این ذخیره را مصرف کرده بود و فقط اتوریته عظیم و انکارناپذیر منصور حکمت مانند شمشیر داموکلس روی پیشانی ایشان آویزان بود و به محض اینکه خطر سقوط شمشیر از زمین رفت، از دیدگران سبقت گرفت و منکر چپ و رهبران چپ در جامعه شد. وانگار هم تخصصی و سرگرمی جز این ندارند که بلندگو دست بگیرند و داد بزنند که حزب کمونیست کارگری شکست خورده است. این در شرایطی است که صحنه سیاسی ایران چپ و حزب کمونیست کارگری ایران یک نیروی جدی و تاثیرگذار هستند، این امر نه برای جمهوری اسلامی و نه برای دیگر نیروهای راست و رفرمیست هم قابل انکار نیست. تحركات رویه از یاد کارگری و بخصوص نمونه بارز کارگران نساجی سنندج و تظاهرات سرخ ۱۶ آذر و تبدیل شعار آزادی و برابری به یکی از برجسته ترین شعارهایی که در اعتراض جمعی به گوش میرسد، اینها فاکتورهای عینی صحنه سیاسی ایران هستند که همه نیروهای داخل و خارج روی آن حساب میکنند. اما آقای مدرس که جمعشان را "

حکمتیست" مینامد، پشت میکروفن داد میزنند که "چپ در جامعه وجود ندارد" آقای مدرس من ادعا نمیکنم که حزب کمونیست کارگری بیمه شده است و شکست ناپذیر است، اما این رامیدانم که اگر در سال ۲۰۰۴ قطعنامه های مشابه سیاست رسمی حزب تبدیل میشد و یا اگر گفتن اینکه "انقلاب خشونت است"، "سوسیالیسم مردم رارم میدهد" و یا "شوراهم نیست" به سیاست حزب تبدیل میشد و یا پلی بین حزب و آقای حجابیان قدیم پاسدار زده میشد، حزب کمونیست کارگری قطعاً شکست خورده بود.

آقای مدرس شعار سوسیالیسم به پایخیز برای رفع تبعیض در ایران سر داده میشود. کارگرایانی و مردم رنجیده به آن نیاز دارند و این امر پرورژه شبانه روزی حزب کمونیست کارگری ایران است. شمامه دنبال کار خودتان بروید. فقط لطفاً به نام منصور حکمت نجسید، اصلاً برانزده شمانیست. "کسی که جگر فروشی دارد نباید تابلوی مکدونالد بر سر در مغازه اش آویزان کند.

بازداشت و تهدید نمایندگان کارگران نساجی کردستان کمپین وسیع بر علیه تهدید فعالین کارگری از طرف جمهوری اسلامی دهها اتحادیه به تهدید کارگران اعتراض کردند

بعد از پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران نساجی کردستان، فعالین کارگری از طرف جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار گرفتند کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۵ - ۵ بهمن خبر را بطور وسیعی پخش کرد و پس از آن کمپین گسترده ای را آغاز کرد که نتیجه آن اعتراض دهها اتحادیه و هزاران کارگر در سراسر جهان به مقامات جمهوری اسلامی شد. در این شماره اطلاعیه کمیته کردستان و نامه های اتحادیه های کارگری را می خوانید.

متن اطلاعیه کمیته کردستان تحت عنوان "بازداشت و تهدید نمایندگان کارگران نساجی کردستان را محکوم میکنیم" چنین

است: "جمهوری اسلامی به فکر انتقام جوئی از کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج افتاده است. در روزهای اخیر و بدنبال اعتصاب طولانی مدت و موفقیت آمیز کارگران، جمهوری اسلامی دو نفر از نمایندگان کارگران آقای فرشید بهشتی زاد و شیث امانی را چندین بار احضار و بازجوئی کرده و با اتهام همکاری با سازمانهای اپوزیسیون آنها را مورد تهدید قرار داده است. قبلاً آقای هادی زارعی را هم به اطلاعات برده و تهدید کرده بودند. به نمایندگان کارگران اتهام ارتباط با سازمانهای اپوزیسیون زده اند تا آنها را مرعوب کنند و مانع از مبارزه آنها برای احقاق حقوق

کارگران شوند. اقدام سرکوبگرانه رژیم اسلامی و سازمان اطلاعاتش علیه نمایندگان کارگران باید با وسیعترین و گسترده ترین عکس العمل همه کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر کشور پاسخ گیرد و شدیداً محکوم شود. تهدید و تلاش برای ارعاب نمایندگان کارگران یک سیاست شناخته شده رژیم اسلامی است. رژیم توانست در جریان اعتصاب، کارگران را بترساند و اعتصابشان را به شکست بکشاند، اکنون با تاکتیک تهدید و بازجوئی میخواید هم نمایندگان کارگران را خشن کند و هم با ایجاد فضای ارعاب، کارگران را از پیگیری مطالباتشان منصرف نماید. این تاکتیک سازمان اطلاعات

را باید به شکست کشانید. اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی باید با عکس العمل قاطع و گسترده مردم و کارگران در داخل کشور و سازمان های کارگری در سطح بین المللی مواجه شود. باید همصدا با کارگران نساجی این سیاست ضد کارگری رژیم اسلامی را ناکام بگذاریم. چنان موج اعتراض قدرتمندی باید براه افتد که جمهوری اسلامی جرات دست درازی به هیچ کارگری را پیدا نکند. جمهوری اسلامی باید همه جا خود را در محاصره مردم خشمگین و مصمم ببیند. باید با تمام قوا به میدان بیاییم و نشان دهیم که دوره ارعاب بسر آمده است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از کارگران همه مراکز کارگری، از مردم مبارز سنندج و سایر شهرهای ایران و همینطور از سازمانهای کارگری و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سطح بین المللی میخواید همصدا با کارگران نساجی، رژیم اسلامی

را محکوم کنند و خواهان پایان دادن به سیاست تعقیب و تهدید شوند. اعتراض، اعتصاب و تشکل حق کارگران است. حزب همه کارگران و مردم آزادیخواه را به دفاع از حق اعتصاب و تلاش و آزادی بیان فرامیخواند."

همچنین جمعی از کارگران کارخانه نساجی کردستان در سنندج در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۸۳ نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان و آقای گای رابندر مسئول کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری نوشتند. متن نامه چنین است:

"جناب گای رابندر شما و سایر اتحادیه های کارگری بخوبی از جریان اعتصاب کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج مطلع هستید. به اطلاعاتان میرسانیم که با تمام شدن اعتصاب، وزارت اطلاعات شروع به تحت فشار گذاشتن نمایندگان ما کرده است. قبلاً آقای شیث امانی و هادی زارعی را چندین بار

احضار و تهدید کرده بودند. بدنبال اعتصاب نوبت یکی دیگر از نمایندگان ما، آقای فرشید بهشتی زاد، رسیده است و ایشان را هم این روزها دوبار احضار کرده اند. بار دوم روز ۱۹ ژانویه بود و ایشان را به ارتباط با احزاب اپوزیسیون متهم کرده اند. آقای شیث امانی را نیز مجدداً احضار کرده و اتهام مشابهی را به ایشان وارد کرده اند. شما بر این امر واقفید که چنین اتهامی چه نتایجی میتواند داشته باشد.

این فشارها به منظور این است که روحیه ما را بشکنند و توافقات ارگانهای دولتی با کارگران را هم زیر پا بگذارند. ما همین جا اعلام میکنیم که یکپارچه و متحد از نمایندگان خود حمایت میکنیم و اگر این فشارها ادامه پیدا کند راه دیگری نداریم جز اینکه باز هم دست به اعتصاب بزنیم و از همه کارگران و مردم شهر سنج و سراسر کشور و از سازمانهای کارگری جهان کمک بخواهیم. خواست ما این است که این فشارها و احضارها پایان یابد و توافقات مدیریت و ادارات دولتی با کارگران فوراً عملی شود. نقش کنفدراسیون و سازمانهای کارگری در سالهای گذشته بسیار مهم و ارزشمند بوده است. در این مورد نیز از شما انتظار داریم که بهر شکلی که مناسب میدانید از نمایندگان کارگران نساجی پشتیبانی کنید. پشتیبانی شما و سازمانهای کارگری جهانی عامل مهمی در موفقیت های تاکنونی ما بوده است و مطمئناً عامل مهمی در کاهش فشار روی نمایندگان ما خواهد بود. ما برای خواستهای عادلانه و بحق خود دست به اعتصاب زدیم. این اعتصاب و پافشاری ما حق ما بوده است. این مدیریت و کارفرما هستند که حقوق چند صد کارگر را ضایع کرده اند، عده زیادی از ما را اخراج کرده و زندگی بسیار دشواری را به همه ما تحمیل کرده اند و باید تحت پیگرد قرار گیرند نه نمایندگان کارگران.

حمایت های تاکنونی شما مایه قدردانی عمیق ما است. ما باز هم شما را از وضعیت خود مطلع نگه میداریم.

با درود و احترام جمعی از کارگران کارخانه نساجی کردستان

رئیس اتحادیه بیمارستانهای کانادا به تهدید نمایندگان کارگران اعتراض کرد

در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران فرد میوزین رئیس اتحادیه بیمارستانهای کانادا طی نامه ای به محمد خاتمی تهدید و اذیت و آزار کارگران نساجی کردستان را مورد اعتراض قرار داد. متن این نامه که رونوشت آن به مسعود ارژنگ دبیر کمیته حزب در غرب کانادا داده شده چنین است:

"به رئیس جمهور خاتمی
جمهوری اسلامی ایران

ای میل
khatami@president.ir
آقای خاتمی این سومین نامه من به شما در مورد ادامه تعذیبات به کارگران نساجی کردستان در شهر سنج است. در نامه آخرم به تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۰۵ از شما خواستم که دخالت کنید که کشاکش کارگری در نساجی کردستان به نتیجه مسالمت آمیزی برسد. اعتصاب مزبور با توافقی میان کارگران، مدیریت کارخانه و دولت به پایان رسید.

اما با تأسف مطلع شدیم که وزارت اطلاعات حکومت شما در تلاش برای خرد کردن روحیه کارگران در مقابل خواستهای که تحمیل کرده اند، بطور سیستماتیک نمایندگان کارگران را مورد تهدید و اذیت و آزار قرار میدهد.

آقایان فرشید بهشتی زاد، هادی زارعی و شیث امانی هر سه به وزارت اطلاعات شما احضار شده و تهدید شده اند. اتهامات علیه آنها شامل همکاری با سازمانهای سیاسی مخالف حکومت است که با توجه به نبود هرگونه دموکراسی در ایران چنین اتهاماتی عواقب جدی ای میتواند در پی داشته باشد.

من از طرف ۴۱ هزار اعضای اتحادیه بیمارستانها ناچارم یک بار دیگر مصرأ از شما بخواهم که اقدامات لازم را در حمایت از این کارگران در دستور بگذارید.

ما از شما میخواهیم که توقف فوری این تهدیدات و اذیت و آزارها

توسط وزارت اطلاعات را تضمین کنید و بعلاوه مدیریت کارخانه را ملزم کنید که به توافقات احترام بگذارند. بعلاوه ما خواهان بازگشت به کار ۶ نفر از کارگرانی هستیم که بطور غیر منصفانه ای اخراج شده اند.

و بالاخره ما تاکیدات خود را مجدداً تکرار میکنیم که ایران به قوانین بین المللی که به شهروندان حق تشکل در هر اتحادیه ای که بخواهند را میدهد و برای آنها حق اعتصاب و آزادی بیان را برسمیت میشناسد، احترام بگذارید.

با احترام فرد میوزین
رئیس اتحادیه بیمارستانهای
کانادا

کنفدراسیون کارگران بخش عمومی ترکیه و سندیکای کارگران پست به جمهوری اسلامی اعتراض کردند

دفتر مرکزی "کنفدراسیون سندیکاهای کارگران بخش عمومی ترکیه" و "سندیکای کارگران پست ترکیه" به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران در دفاع از کارگران نساجی کردستان جواب مثبت دادند و طی نامه ای به خاتمی تهدید کارگران نساجی کردستان را مورد اعتراض قرار دادند. متن این نامه چنین است:

"محمد خاتمی رئیس
جمهوری اسلامی ایران

مطلع شدیم که به دنبال اعتصاب ۱۶ روزه کارگران نساجی کردستان نمایندگان کارگران فرشید بهشتی زاد و شیث امانی به وزارت اطلاعات احضار شده، مورد تهدید قرار گرفته و به همکاری با احزاب اپوزیسیون متهم شده اند.

ما این عمل حکومت ایران را که هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران است محکوم کرده و خواهان پایان یافتن هرچه سریعتر چنین اقداماتی هستیم. بعلاوه ما بر این خواست تاکید داریم که کارفرما و دولت مفاد توافق نامه های میان کارگران و کارفرما را عملی کنند و همچنین ۶ کارگر اخراجی را بدون فوت وقت به سر

کار خود باز گردانند. دولت ایران باید حق اعتصاب، تشکل و بیان کارگران را برسمیت بشناسد. دفتر مرکزی کنفدراسیون سندیکاهای کارگران بخش عمومی ترکیه - (KESK) و سندیکای کارگران پست (HABER _ SEN)

۲۸ ژانویه ۲۰۰۵"

فدراسیون اتحادیه های نفت نروژ:

کارگران نساجی کردستان سمبل شجاعت هستند

اگر به این کارگران آسیبی برسد ما عکس العمل جدی نشان خواهیم داد

در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران، "کاری بوکوه" دبیر سازمانی فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت نروژ در نامه ای که برای کاظم نیکخواه دبیر کمیته خارج کشور حزب ارسال شده حمایت قاطع خود را از کارگران نساجی کردستان اعلام کرد. در این نامه کارگران نساجی کردستان به عنوان سمبل شجاعت مورد تمجید قرار گرفته اند و از جمهوری اسلامی مصرانه خواسته شده است که دست از تهدید کارگران بردارد و گرنه با عکس العمل این فدراسیون مواجه خواهد شد. متن نامه چنین است:

"کاظم نیکخواه دبیر کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
نامه پشتیبانی از طرف فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت نروژ

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت نروژ (OFS) از حق اعتصاب و تشکل کارگران حمایت میکند. فدراسیون کارگران نفت از حق آزادی همه شهر و ندان برای بیان نظر خود در مورد جامعه ای که در آن زندگی میکنند دفاع میکند. این حق جهانشمول است و به همه انسانها متعلق است. اگر

مردان یا زنان مجبور باشند در وحشت و خطر بخاطر اینکه مقامات سیاسی حقوق جهانشمولشان را برسمیت نمیشناسند بسر برند، این نشان میدهد که قدرت این مقامات سیاسی بر بنیادی عدالتی و نادانی قرار دارد.

فدراسیون اتحادیه های نفت با این نامه از حکومت (ایران) میخواهد که تهدید و ارباب کارگران نساجی را پایان دهد و به توافقات احترام بگذارد. فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت (از حکومت ایران) میخواهد که شش کارگری که اخراج شده اند را به سر کار برگرداند.

از نظر کارگران نفت نروژ کارگران نساجی کردستان سمبل شجاعتی هستند که همه کارگران برای دستیابی به شرایط یکسان در سراسر جهان به آن نیاز دارند. اگر به این کارگران آسیبی از جانب کمپانیها یا مقامات سیاسی برسد، فدراسیون نفت به تمام سرمایه گذاران نروژی از جمله دولت نروژ اطلاع خواهد داد و از آنها خواهد خواست که فشار وارد کنند تا تهدید و ارباب کارگران متوقف شود.

با ارادت
کاری بوکوه
دبیر سازمانی - فدراسیون
اتحادیه های کارگران نفت نروژ
(OFS)

کمپین بین المللی در دفاع از کارگران نساجی کردستان همچنان ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانهای کارگری و انسان دوست را فرا میخواند که با اعتراض به جمهوری اسلامی مانع ادامه تهدیدات علیه نمایندگان کارگران نساجی کردستان شوند. حکومت اسلامی باید بفهمد که نمایندگان کارگران تنها نیستند و هرگونه و اذیت و آزار آنها با عکس العمل وسیع کارگران و مردم در ایران و در سطح بین المللی مواجه خواهد شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران